



## استراتژی و تاکتیک جدید اسرائیل: تشکیل ارتش

اینترنتی!

محمد علی اصفهانی

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

جمعیت فرانسوی Bellacio از چند هفته پیش - به طور مرتب - در بالای صفحه ی اول پایگاه اینترنتی مشهور خود، با استناد به اطلاعات فاش شده توسط روزنامه های اسرائیلی هآرتص و ژروزالم پست، و روزنامه ی فرانسوی لوموند، خوانندگان خویش را در جریان حملات و هرزه درآیی های سازمان یافته ی دستگاه های اطلاعاتی و تبلیغاتی اسرائیل به وسیله ی به خدمت گرفته شدگان و مأموران بومی و غیر بومی، به این سایت و بقیه ی سایت هایی که به افشای جنایات اسرائیل می پردازند، قرار می دهد.

Bellacio که نام خود را از یک ترانه سرود ایتالیایی علیه استعمار و استعمار و تجاوز و جنگ گرفته است، از نیرو های مطرح و فعال طیف چپ مستقل فرانسه است؛ و گرچه تا حدودی به حزب کمونیست فرانسه نزدیک است، اما خود - به درستی - خود را جمعیتی معرفی می کند که: «بر استقلال تمام و کمال خویش از همه ی احزاب پای می فشارد؛ فاطعانه از این که به پایگاهی برای عضوگیری و سمپات سازی احزاب و جریان های سیاسی تبدیل شود اجتناب می ورزد؛ و به شدت مراقب است که مورد بهره برداری ابزاری این و آن به منظور کسب هژمونی قرار نگیرد.».

در ایام تجاوز اخیر به غزه، و پس از آن، شاهد بودیم و هستیم که فعالیت های تبلیغاتی دولت نژاد پرست و نسل کش اسرائیل، به صورتی بسیار چشمگیر تر از موارد گذشته، در جوامع ایرانیان (۱)، و تمام جوامع دیگر، افزایش یافته است، و عمدتاً بر چهار نکته، متمرکز است:

۱ - تهاجم اینترنتی به افشاگران ماهیت ضد بشری و جنایتکارانه ی این تجاوز. چه از طریق «کامنت» گذاری؛ و چه از طریق نوشتن مطالبی در دفاعی جلوه دادن این تجاوز آشکار. مطالبی که تقریباً همیشه با اظهار تأسفی هم نسبت به کشته شدن «مردم بی گناه فلسطین»، و همدردی با بازماندگان آن ها همراه است؛ اما با تأکید بر این که باعث و بانی این تلفات، نه اسرائیل، که نیرو های مقاومت فلسطین هستند که اسرائیل را تحریک کرده اند.

۲ - معرفی کردن حماس به عنوان شروع کننده ی جنگ. (۲)

۳ - نیروهای مقاومت فلسطین در غزه را وابسته به رژیم ایران وانمود کردن؛ و این که این مقاومت، از

رژیم ایران دستور می گیرد، و به فرمان و «به نیابت از رژیم ایران»، این جنگ را به راه انداخته است. ۴ - محمود عباس و «دولت» او را که خائنین به جنبش فتح هستند (۲) سمبل جنبش فتح و مردم فلسطین نامیدن. و این در حالی است که امروز به دلیل کمک به زمینه سازی درازمدت این تجاوز (که خود، جزئی از جنایات یک سال و نیم اخیر اسرائیل در غزه ی از همه نظر محاصره شده است) و به دلیل تأیید ضمنی این تجاوز، محمود عباس و دولت او به موقعیتی بسیار منزلزل تر از پیش، گرفتار آمده اند. هم به نزد مردم خاورمیانه. هم به نزد مردم فلسطین. و هم - از همه مهم تر - به نزد توده های سازمانی خود. و از همین رو، برای حفظ موقت موقعیتشان، و آرام کردن بدنه ی جنبش فتح، و کم کردن نفرت عمومی از خویش، دست به دامان حماس شده اند، و مدعی هستند که دیگر بر مخالفت با تشکیل دوباره ی یک دولت ائتلافی با این جنبش پافشاری نمی کنند.

نیازی به نام بردن نیست؛ و همگان به خوبی می دانند که صرف نظر از اسرائیلگرایان قدیمی و «اصیل»، و گروه های کوچک و به حساب نیامدنی، و منفردین، کدام جریان سیاسی که ادامه ی حیانتش را مشروط به سرویس دهی به آمریکا و اسرائیل و دیگر «قدرت های بین المللی» می بیند، در هر چهار مورد فوق - به صورت سیستماتیک - به انجام وظیفه ی شبانه روزی مشغول بود و هست!

ریشه ی ماجرا، به چیزی برمی گردد به نام «هاسبارا». این کلمه، در زبان عبری معنایی دارد معادل «توضیح دادن». و دولت های اسرائیل، آن را به جای کلمه ی پروپاگاندا سیاسی به کار می برند. جعل و دروغ و تحریف. وارونه نویسی تاریخ.

چهره ی اهریمنی از مردم فلسطین در افکار عمومی ساختن، و به قول پروفیسور ایلان پاپه، از تاریخنویسان آزاده ی اسرائیلی، فلسطینی ها را موجوداتی غیر انسان و غیر آدمیزاد معرفی کردن. (۴)

پس و پیش کردن تاریخ و کم و کیف وقایع به منظور قربانی را جلاد، و جلاد را قربانی نشان دادن، آنگونه که میشل وارشائوسکی به خوبی توضیح داده است. (۵)

ساختن فیلم ها و کلیپ های ضد فلسطینی، یا ترساننده ی مردم عادی جوامع غربی از شرق «وحشی و آدمخوار»، و یا تحریک کننده ی مسلمانان و منجر شونده به برخورد های عکس العملی و مشمئن کننده ی بعضی از متعصبین. (۶)

پرداخت پول به پاره پی از رسانه های جمعی و سایت ها. (با نگاهی به دور و بر خودمان و تغییر جهت های معنادار بعضی سایت های نه چندان سیاسی اما بسیار سیاسی، می توانیم این مورد خاص را به طور عینی، هم ببینیم و هم لمس کنیم!) تعیین و تقسیم مأموریت های قدیم الاستخدام ها و جدیدالاستخدام های خود در کشور های دیگر، و دیکته کردن آنچه باید آن ها در هر مقطعی انجام دهند، و «هدف» هایی که باید نشانه بگیرند

«هدف» هابی مثل همین سایت Bellacio و نویسندگان و دست اندرکاران آن، و شبکه ی «ولتر برای آزادی بیان» و بنیانگذار و مسئولش، تری میسان، در فرانسه... و دیگران و دیگران و دیگران، از خُرد و کلان، در سراسر جهان)...

این ها از کار های روزمره ی «هاسبارا» به حساب می آید.

جان پیلجر، با سابقه ی چهل سال حضور در متن وقایع خاورمیانه، در مورد ورود هاسبارا به مرحله ی جدیدی که در حال حاضر شاهد آنیم می نویسد:

«سخنگوی وزیر خارجه ی اسرائیل، در سال ۲۰۰۶، در باره ی هاسبارا چنین گفت: ما هرگز هاسبارا را چنین پرتوان ندیده بودیم. این، ماشینی است که خیلی خوب، روغنکاری شده است.» (۷)

و حالا «شگرد» تازه یی نیز آنگونه که هآرتص و ژوزالم پست و لوموند نوشته اند - و مورد استناد Bellacio قرار گرفته است - بر شگرد های گذشته ی هاسبارا اضافه شده است:

تشکیل یک لشکر اینترنتی!

دو روز بعد از اعلام آتش بس، وزارت «مهاجرت» اسرائیل، در ۱۸ ژانویه، خبر از تأسیس یک «بریگاد» مخصوص داد که هدف آن، هجوم آوردن و آوار شدن بر سر سایت هایی است که در هر نقطه یی از جهان، علیه سیاست های اسرائیل، و علیه صهیونیسم، مطلب منتشر می کنند.

در تشکیل این ارتش جدید اینترنتی و «بریگاد» مخصوصش، وزارت امور خارجه ی اسرائیل نیز نقش ویژه یی بر عهده دارد.

به این ترتیب، کار ها راحت تر شده اند، و هر آمانوری هم قادر خواهد بود که بعد از موافقت «مقامات مربوطه»، به عضویت این لشکر جدید و بریگاد مخصوص آن در آید، و سایت ها و آدم های «مسأله ساز» را نشانه بگیرد!

وزیر «مهاجرت» اسرائیل، علت تشکیل ارتش اینترنتی را چنین توضیح می دهد:

- اینترنت، به یک میدان جدید نبرد، تبدیل شده است!

-----

\* برای توضیحات بیشتر:

[www.bellacio.org](http://www.bellacio.org)

و یا مستقیماً:

[www.bellacio.org/fr/spip.php?article78466](http://www.bellacio.org/fr/spip.php?article78466)

۱ - همزمان با تجاوز اخیر اسرائیل به غزه، راقم این سطور در مقدمه ی ترجمه ی مقاله ی پی از میشل وارشاوسکی، به همین موضوع فعال شدن اسرائیل در فضای اینترنتی فارسی زبان پرداخته است: تحلیل برخورد جهان با ماجرای غزه، از دید میشل وارشاوسکی:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/warschawski-gaza-281208.html>

۲ - خوشبختانه چند تن از نویسندگان متعهد خود ما، در نوشته هاشان، پوچی ادعای اسرائیل و کارگزاران و به خدمت گرفته شدگان ایرانی او مبنی بر شروع کردن و برافروختن جنگ به وسیله ی حماس را به خوبی بر ملا کرده اند.

راقم این سطور نیز، چه در مقالات، و چه در ترجمه های خود از برجسته ترین نویسندگان اسرائیلی و غیر اسرائیلی، به همین موضوع پرداخته است.

این مطالب، در صفحات مختلف «خبر و نظر» سایت ققنوس آمده اند. اما در اینجا (فقط برای نمونه) قسمتی از مقاله ی جان پیلجر با عنوان «هولوکاستی که انکار می شود؛ و سکوت آنان که حقیقت را می دانند» را می آورم:

پروژه پی که دیروز، «پروژه ی دالت» نامیده می شد، امروز اسمش را عوض کرده است و «سرب گذاشته» گذاشته است. [ نام عملیات اخیر اسرائیل در غزه که به خوبی همچون نام های عملیات متفاوت دیگر اسرائیل، چون «خوشه های خشم»، ماهیت وحشی و کین توز و سفاک طراحان آن را، در خود سمبلیزه می کند - م ].

و این، به عملیات اسرائیلی دیگری شبیه است به نام عملیات «انتقام مشروع»، که پرونده اش هنوز باز است.

عملیات «انتقام مشروع»، در سال ۲۰۰۱ به وسیله ی شارون، نخست وزیر وقت اسرائیل، به اجرا در آمد. وقتی که او با موافقت جرج بوش، برای اولین بار از جنگنده های اف ۱۶ برای بمباران کردن شهر ها و شهرک های فلسطینی استفاده کرد...

مطابق گزارش «جی اف آر» به راه انداختن و کلید زدن عملیات «انتقام مشروع» در سال ۲۰۰۱ نیازمند بهانه پی بود:

یک عملیات انتحاری که تعداد زیادی قربانی به جا بگذارد تا بتوان سربازان اسرائیلی را به خرد و خاکشیر کردن مردم فلسطین تشویق کرد.

آنچه شارون، و شائول موفاد، رییس ستاد مشترک، را نگران می ساخت، این بود که میان حماس و یاسر عرفات، قراردادی پنهانی بسته شده بود که بر مبنای آن، حماس از انجام عملیات انتحاری اجتناب می کرد.

بنابر این، در ۲۳ نوامبر سال ۲۰۰۱ عوامل سرویس مخفی اسرائیل، یکی از رهبران حماس، به نام محمود ابوهندو را به قتل رسانیدند تا اینچنین، حماس را، به انجام عملیات انتحاری، در پاسخ به این قتل، تحریک کنند.

یک حادثه ی مشابه، به صورت بسیار شگفت آور، در پنجم نوامبر گذشته [ هنگامی که هنوز تقریباً

یک ماه و نیم به پایان آتش بس باقی مانده بود - م [ اتفاق افتاد:  
نیروهای مخصوص اسرائیل، به غزه حمله کردند و ۶ فلسطینی را کشتند!  
و این، یعنی: اسرائیل، یک بار دیگر، ماشه ی آنچه را که برای آماده سازی تبلیغاتی حمله به غزه، به آن نیازمند بود چکانید. چرا که آتش بسی به پیشنهاد و پیشگامی دولت حماس برقرار شده بود و حماس آن را رعایت می کرد، و حتی فلسطینیانی را که قصد تجاوز از آن را داشتند زندانی کرده بود. و اسرائیل می خواست اینگونه با قتل ۶ فلسطینی در غزه، آن را درهم فرو بریزد...  
در پس این بازی هرزه و پست، چیز دیگری نهفته است. چیزی به نام «طرح داگان» که نام خود را از ژنرال اسرائیلی، «مایر داگان» گرفته است. مایر داگان، تحت امر شارون، در اشغال خونین لبنان در سال ۱۹۸۲ شرکت داشت، و در حال حاضر هم در رأس موساد قرار دارد.  
بر پا شدن یک دولت دست نشانده در رام الله به مسئولیت محمود عباس نیز دستبخت همین داگان بوده است.

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/pilger-sokoot.html>

۳ - در این مورد، به عنوان مثال:

این همدستی و همکاری محمود عباس با آمریکا و اسرائیل، در به گروگان گرفتن نزدیک به یک و نیم میلیون نفر از هموطنان خود، احتمالاً برای او خیلی گران تمام خواهد شد .  
همانطور که Zwy Barel متخصص امور اعراب روزنامه ی «هاآرتص» می نویسد:  
«نه اولمرت، نه دحلان، نه ابومازن، هیچکدام از این ها قادر نخواهد بود که پیوند های ساختاری، ملی، فامیلی، و سمبلیک میان غزه و کرانه ی باختری رود اردن را از هم بگسلد.»  
مخصوصاً این که - و به نظر می رسد که ما این را فراموش کرده ایم - در خود کرانه ی باختری رود اردن هم، باز این حماس است که مهم ترین نیروی سیاسی است. حماس، در آنجا راه های بسیار زیادی دارد که به اسرائیلی ها یادآوری کند که اسرائیل نمی تواند او را حتی با تگه تگه کردن خاک فلسطین، از بازی، خارج سازد.  
میشل وارشاوسکی: در فلسطین، چه کسی علیه چه کسی کودتا کرد؟

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-l.html>

و یا:

مسلمان های خاورمیانه، چه قدر مزاحم و دردسر آفرینند! اول، ما از فلسطینی ها می خواهیم که شاهد دموکراسی را در آغوش بگیرند. و بعد، آن ها به یک حزب قلابی - حماس - رأی می دهند. و حماس هم در یک جنگ کوچک داخلی پیروز می شود و بر سراسر غزه تسلط می یابد. آن وقت، ما غربی ها باز می خواهیم که با رییس جمهوری بی اعتبار فلسطین - محمود عباس - مذاکره کنیم... ما مایلیم که با آژان وفادار خودمان، آقای محمود عباس «مُدِره» مذاکره کنیم. «مُدِره» به روایت بی بی سی، سی ان ان، و فاکس نیوز، با مردی که یک کتاب ۶۰۰ صفحه یی در باره ی قرارداد اُسلو

نوشته است بدون آن که حتی یکبار هم کلمه ی «اشغالگری» را به کار برده باشد... یک رهبر که ما می توانیم به او اعتماد کنیم. چرا که او کراوات به گردن می بندد و به کاخ سفید می رود و همه اش چیزهای خوب خوب می گوید...

[و با اشاره به اتهام کودتا به حماس، برنده ی انتخابات و دارای اکثریت مطلق، و در قدرت:] آخر ما با کودتای یک دولت منتخب مردم علیه خودش چه می توانیم بکنیم؟! رابرت فیسک: به فلسطین خوش آمدید:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/welcome.html>

و نیز مقاله ی جان پیلجر با عنوان «دیوار برلن های جدید را فرو بریزیم» که پیلجر در آن محمود عباس را نامزد ریاست یک «دولت ویشی از نوع فلسطینی آن» می داند:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/pilger-gaza.html>

بسیار مضحک است اگر محمود عباس را پیش برنده ی «مذاکرات صلح» بدانیم. مضحک تر از خود «مذاکرات». حتی اگر مشکل هویت سیاسی آلوده ی او، به علاوه ی ناتوانی و عجز او، به علاوه ی اُفت روزافزون مشروعیت او به نزد فلسطینیان را هم نادیده بگیریم، باز هم باید به یاد داشته باشیم که رهبر مقبول و مشروع و محبوب و پرتوان فلسطینیان، یاسر عرفات، به بهای گرو گذاشتن اعتبار تاریخی خود، حاضر به هر نوع انعطافی که قبلاً تصور آن هم نمی رفت شده بود و قرارداد صلح اسلو را با اسرائیل امضا کرده بود. اما اسرائیل به او چگونه پاسخ داد؟ حبس خانگی او. آن هم در خانه یی بدون برخورداری از الکتریسیته و آب آشامیدنی مورد نیاز، تا هنگام مرگ، به همان صورت که همه خوانده اند و شنیده اند و تصاویرش را در تلویزیون های تمام دنیا دیده اند.

۴ - ایلان پاپه: ما داریم از همان جامعه یی حرف می زنیم که در سال ۱۹۴۸ و در سال ۱۹۶۷

فلسطینی ها را از سرزمین هایشان بیرون کرده است.

بعد از ۶۰ سال آموزه های سرشار از تعصب، غیر انسان وانمود کردن فلسطینیان، و چهره ی اهریمنی از مردم فلسطین ترسیم کردن، دیگر، هزار نفر از این مردم را فقط طی سه هفته به قتل رسانیدن، مسأله ی مهمی ایجاد نمی کند.

وسایل ارتباط جمعی، و فرهنگ سیاسی، جامعه ی اسرائیل را آماده کرده اند تا چنین قتل عام و قصابی یی را «دفاع از خود» بدانند.

تا زمانی که جامعه ی اسرائیل، شروع نکند به این که خودش را از شر ایده یولوژی صهیونیزم، رها سازد، در اسرائیل، هیچ مخالفت جدی یی با عملیاتی نظیر «سرب گداخته»، وجود نخواهد داشت... گفتگوی ایل مانیفستو با ایلان پاپه، از «تاریخ نویسان نوین» اسرائیل، به ترجمه ی همین قلم:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/pappe-manifesto.html>

## ۵ - میشل وارشائوسکی:

یک نوع دوم از جنایتکاران هم وجود دارند. این نوع دوم، احتمالاً می‌توانند از قرار داده شدن در برابر دادگاه‌ها فرار کنند.

این‌ها دست‌های خودشان را مستقیماً به خون مردمان نمی‌آلایند؛ اما برای قاتلان، مشروعیت روشنفکرانه فراهم می‌آورند. این‌ها، در واقعیت امر، یگانی از دولت و ارتش آدمکشان را تشکیل می‌دهند...

این‌ها بایکوت کردن دولتی را که مردم فلسطین، در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک برگزیدند [بایکوت به وسیله‌ی اسرائیل و «جامعه‌ی جهانی» - م] به یاد نمی‌آورند. این‌ها فراموش کرده‌اند که اسرائیل، به زور، غزه و کرانه‌ی رود اردن را از یکدیگر جدا کرد تا بتواند مردمان غزه را به جرم انتخاب کردن نمایندگان خود، در قرنطینه بگذارد و تنبیه کندشان. آخر، آن‌ها حق چنین انتخاب غلطی را نداشتند...

این‌ها، اول: شروع به پس و پیش کردن ترتیب زمانی وقایع کردند، و آن را مطابق میل خود از نو نوشتند. و بعد: دست به دامان منطق قرینه‌سازی و همسنگ‌نمایی شدند: «خشونت، از هردو سو به کار رفته است، و ما شاهد قربانیان بی‌گناه در غزه و اسرائیل - هر دو - هستیم. هر غیر نظامی کشته شده، یک قربانی بی‌گناه است.» اما اینجا یک مشکل در کار است: در این دلیل تراشی و منطق باقی، نه ترتیب زمانی، و نه تناسب عددی، هیچکدام با واقعیت، همخوانی ندارد...

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/warschawski-har-do.html>

## ۶ - به عنوان نمونه:

شبکه‌ی جهانی ولتر برای آزادی بیان - شبکه‌ی معتبری که نشریه‌ها و کارشناس سیاسی بسیاری را در سراسر جهان با خود دارد، و ترکی میسان تحلیل‌گر برجسته‌ی فرانسوی بنیانگذار و مسئول آن است - در روز ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸ اطلاع داد که در فاصله‌ی فقط دو هفته، بیست و هشت میلیون خانواده‌ی آمریکایی، به صورت مجانی، دی‌وی‌دی فیلم «دغدغه‌ی بی‌پایان: اسلام رادیکال در نبرد با غرب» را در خانه‌هایشان دریافت کرده‌اند.

این بیست و هشت میلیون خانواده، در ایالاتی از آمریکا زندگی می‌کنند که در آن‌ها نتایج انتخابات ریاست جمهوری، از بقیه‌ی ایالات، نامشخص‌تر و غیر مطمئن‌تر است. مخصوصاً اوهایو، میشیگان، فلوریدا، کلرادو، کارولینای شمالی، پنسیلوانیا، و میسوری. هدف، این است که مردم این ایالات را قانع کنند که به مک‌کین رأی دهند. چرا که پیروزی اوپاما برای اسرائیل خطرناک است؛ در حالی که مک‌کین می‌تواند با ادامه‌ی سیاست بوش، فرصت‌های بیشتری را برای آتش افروزی اسرائیل در منطقه فراهم آورد.

مخارج این «عملیات» تبلیغاتی، بیش از پنجاه میلیون دلار ارزیابی می‌شود که حاخام بزرگ، «افرایم شر» آن را تأمین کرده است.

این فیلم در سال ۲۰۰۶ به وسیله ی یک مدرسه ی آموزش بنیادگرایی یهودی به نام Aish HaTorah تهیه شده است. این مرکز ارتجاع مذهبی و نژادی، به صورتی کلان توسط دولت اسرائیل تغذیه ی مالی می شود؛ و یک مؤسسه ی تبلیغات و روابط عمومی هم به طور جداگانه تأسیس کرده است که یکی از شاهکار هایش برپا کردن تظاهرات علیه جیمی کارتر است به «جرم» آن که با فلسطینیان ابراز همدردی کرده است و گفته است سیاست اسرائیل در برابر مردم فلسطین، سیاست آپارتاید است:

اگر به مک کین رأی ندهید، لولوخورخوره های مسلمان می خورندتان:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/mccain-dvd.html>

۷ - جان پیلجر: هولوکاستی که انکار می شود؛ و سکوت آنان که حقیقت را می دانند

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/pilger-sokoot.html>

ضمناً: نه برای اعضای احتمالی همان «بریگاد» جدید التّاسیس، و نه برای فلکزدگانی که به صورت سیستماتیک به انجام مأموریت های محوّله مشغولند، بلکه برای آدم های درست و حسابی، تکرار این چند سطر را بی ثمر نمی دانم:

این، هنر نیست که ما یک مقدار حرف های هزار بار گفته شده و نوشته شده در مورد حماس و شکل گیری آن را که از این طرف و آن طرف شنیده ایم و در اینجا و آنجا خوانده ایم، سر هم کنیم و گمان ببریم که نوبت بهار آورده ایم یا راز کهکشان ها را کشف کرده ایم.

خیر! چنین نیست. با دانسته هایی کاملاً هم دقیق و علمی، در حد کلاس های اول و دوم و سوم و ششم ابتدایی، نمی توان معادلات پیچیده ی ریاضی را حل کرد...

من هم دلم می خواست و می خواهد که به جای حماس بنیادگرا، نیرو های موجود یا ناموجود به لحاظ فکری نزدیک به من - و نه به حماس - مقاومت در برابر اشغالگری را سازمان می دادند یا بدهند...

آنچه مهم است شناسایی عوامل رویکرد بخش بزرگی از مردم خاورمیانه ی عربی (و فلسطین نیز) به برخورد های عکس العملی، از جمله بنیادگرایی است. و تنها از این طریق است که می توان به مقابله ی شرافتمندانه و عادلانه و عاقلانه و انسانی - و در حد خود مؤثر - با مقوله ی بنیادگرایی، و به کمک به رشد هرچه بیشتر گرایش به سکولاریزم - که ربطی به موافقت یا مخالفت با هیچ دینی ندارد - پرداخت. باید تفاوت علت را از معلول، تشخیص داد...

این موضوع را در چند مقاله ی مختلف، در کنار مطالب دیگر، به تفصیل، توضیح داده ام. مخصوصاً در دو مقاله ی زیر:

غزه، و هفت پرسش و پاسخ در باب راست و دروغ مدعیان

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/haft-porsesh.html>

استرپ تیز مکتب «انسان دوستان» در تهاجم اسرائیل به غزه

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/gaza-ensan.html>